

بررسی وضعیت محرومیت اجتماعی در میان جوانان ۱۸ تا ۳۰ سال شهر تهران

اباذر اشتری مهرجردی^۱

مهدی حسین پور مطلق^۲

زهره حاتمی مقدم^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۹/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۲/۱۸

چکیده

محرومیت پدیده‌ای است به قدمت و درازای نسل بشر؛ اما پیچیده‌تر شدن جوامع در اثر تقسیم کار و به قول دورکیم گسترش انسجام ارگانیکی باعث آن شد تا گروهی که به آموزش، بهداشت، مسکن وسایل ارتباط جمعی و فرصت‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و همچنین منابع قدرت دست پیدا نکنند در جرگه محرومین قرار گیرند. آنچه اهمیت این مطالعه را آشکار می‌سازد آن است که در بسیاری از آثار مربوط با موضوع، بر فقر تأکید بیشتری شده در صورتیکه می‌توان فقر را تنها صورتی از محرومیت اجتماعی دانست. این مطالعه از نوع توصیفی - تبیینی و به روش پیمایش بوده و مهمترین ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه می‌باشد. جامعه آماری این تحقیق را کلیه افراد ۱۵ تا ۳۰ ساله شهر تهران تشکیل می‌دهند که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای تعداد ۳۰۰ نفر دختر و پسر بعنوان نمونه انتخاب شدند. مهم‌ترین نتیجه این تحقیق، آنکه محرومیت اجتماعی متغیری پیچیده و چند وجهی است و از طریق متغیرها و مولفه‌های مختلف سنجیده می‌شود. همچنین متغیرهای زیادی روی این پدیده تاثیر گذار هستند اما مهم‌ترین متغیرها متغیر منطقه محل سکونت است. که به تنهایی حدود ۰,۴۵ از تغییرات متغیر وابسته (محرومیت اجتماعی) را تبیین کرده است.

واژه‌های کلیدی: محرومیت اجتماعی، انزوای اجتماعی، عوامل اجتماعی، جنسیت

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی توسعه دانشگاه تهران، ایران، (نویسنده اصلی) ashtari80@gmail.com

۲- دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات، (مسئول مکاتبات)

۳- کارشناس ارشد رشته مطالعات زنان دانشگاه علامه طباطبایی

۱. مقدمه

محرومیت پدیده‌ای است به قدمت و درازای نسل بشر، پدیده‌ای که از آغاز با زندگی انسان‌ها گره خورده و تلاش‌های وی نیز برای رفع آن قدمتی دیرینه دارد. این دیرینگی به گونه‌ای است که در اشکال اولیه زندگی انسانی تمایزات اجتماعی کمتر و بسیار ساده‌تر از امروز بوده است. اما هنگامی که صحبت به دنیای مدرن که پایه‌های آن در قرون ۱۸ و ۱۹ بعد از عصر روشنگری پی‌ریزی شده می‌رسد این موضوع یعنی محرومیت با تمامی ابعاد متعددش چهره‌ای جدید به خود می‌گیرد. محرومیت همانند بسیاری از مفاهیم اجتماعی دارای ابعاد و مؤلفه‌های متعددی است که گاه محور تقسیم‌بندی و تمایز انواع محرومیت قرار می‌گیرد، همانند محرومیت اجتماعی، محرومیت سیاسی، محرومیت اقتصادی. در این مطالعه با استفاده از این تمایزات و تعریف مربوط به آن‌ها محرومیت اجتماعی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

در حقیقت بررسی علمی پدیده محرومیت اجتماعی به بعد از انقلاب صنعتی باز می‌گردد. دوره‌ای که در آن شکل‌گیری نظام جدید سرمایه داری و حذف نظام غالب قبلی یعنی فئودالیسم طبقه جدید کارگر / کارفرما را به وجود آورد و به همراه آن ظهور اشکال جدید محرومیت وابسته به اقتضات نظام سرمایه داری ظهور کرد. الکسی دوتو کویل در ۱۸۵۳ مفصلاً هشدار داده بود که روند صنعتی شدن سرمایه دارانه، با فقر انبوه شهرنشینان به ویژه مهاجران روستایی همراه خواهد شد انگلس در کتاب شرایط طبقه کارگر انگلستان بدین موضوع توجه کرده بود همچنین اولین اقدام مستقیم در گردآوری اطلاعات مربوط به فقر در کتاب عظیم چارلز بوت منتشر شده به سال ۱۸۸۹ با عنوان "کار و بار زندگی مردم لندن" به چشم می‌خورد (پیران، ۱۳۷۹، ۴۵)

پیچیده‌تر شدن جوامع در اثر تقسیم کار و به قول دورکیم گسترش انسجام ارگانیکی باعث آن شد تا گروهی که به آموزش، بهداشت، مسکن وسایل ارتباط جمعی و فرصت‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و همچنین منابع قدرت دست پیدا نکنند در جرگه محرومین قرار گیرند (غفاری، ۱۳۸۲: ۱۵)

اما آنچه که توجه انسان را به خود جلب می‌کند گستردگی و اثر گذاری پدیده محرومیت اجتماعی بر انواع عملکردهای اجتماعی جامعه می‌باشد بدین شکل که بقا و تداوم محرومیت، خود می‌تواند به تشدید توسعه نیافتگی جامعه منجر شود و از سوی دیگر وقتی که به بدنه جوان جامعه ایران نگاه می‌کنیم این معضل رنگ و بوی تازه‌ای به خود می‌گیرد. کشور ایران نیز در مسیر خود برای گذر از جامعه سنتی به جامعه صنعتی و گذار از نظام سنتی به نظام مدرن با چالش‌های متعددی از جمله محرومیت و فقر دست به گریبان بوده است. اما نمود آن در میان تمام اقشار و گروه‌های جامعه یکسان نمی‌باشد. از جمله گروه‌های اجتماعی که توجه ویژه‌ای را برای برنامه ریزی و حذف نابرابری‌ها و محرومیت‌ها به خود جلب می‌کند گروه‌های اجتماعی جوان در جامعه هستند. چرا که جوانان بیش از نیمی از جمعیت جامعه را تشکیل می‌دهند. بنابر این، پرسش آغازین محقق میزان محرومیت اجتماعی در میان جوانان خواهد بود، پس از شناسایی مؤلفه‌ها و تعیین میزان محرومیت اجتماعی، برخی از عوامل موثر بر آن نیز مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

آنچه اهمیت این مطالعه را آشکار می‌سازد آن است که در بسیاری از آثار مربوط با موضوع، بر فقر تأکید بیشتری شده در صورتیکه می‌توان فقر را تنها صورتی از محرومیت اجتماعی دانست. شاید بتوان گفت وجود دید اقتصادی صرف - هر چند نقاط قوت خاص خود را دارد- توجه را به متغیرهایی از آن جنس منعطف کرده و این خود، لزوم بررسی محرومیت اجتماعی با ابعاد چندگانه آن را بیش از پیش آشکار می‌کند. با توجه به آنچه گفته شد به روشنی قابل درک است که محرومیت اجتماعی حوزه‌ای

است که از نظر مطالعاتی مهجور مانده و به غیر از چند مورد که به طور مستقل به موضوع پرداخته عمده تحقیقات، دارای محتوایی متفاوت هستند.

در این مطالعه نظریه‌ها و دیدگاه‌های مورد استفاده را می‌توان در دو بخش از هم تفکیک کرد. نظریه‌های جامعه‌شناسی و دیدگاه‌های اقتصاد سیاسی که بر حسب موضوع‌های مرتبط نظیر رفاه اجتماعی، فقر، نابرابری و ... مطرح شده‌اند. به منظور تدوین چارچوب نظری تحقیق از جایگاهها، نظریه‌ها و مکاتب مرتبط با محرومیت اجتماعی استفاده شده است.

واژه محرومیت اجتماعی، برخلاف قدمت زیاد آن عنوان یک واژه تخصصی و در حوزه‌های آدمیک نسبتاً جدید است. در عین حال نمی‌توان از همپوشانی مفهومی این واژه با واژه‌های دیگر علوم اجتماعی نیز چشم‌پوشی نمود. محرومیت اجتماعی می‌تواند با واژه‌های دیگر علوم اجتماعی نظیر محرومیت نسبی یا فقر قابلیت‌ی یا مطروودیت اجتماعی نزدیک شود و تنها با یک دقت تئوریک و با تعاریف روشن می‌توان تفاوت آن را روشن نمود. کلیه تفکرات مختلف در باب محرومیت اجتماعی چه به صورت تفسیری و چه به صورت نگارش‌های مستقیم را می‌توان به شکل زیر طبقه‌بندی نمود.

نخست از دیدگاه متفکرانی چون مارکس: که به تشریح نظام سرمایه‌داری به عنوان اصلی‌ترین عامل فقر، از خود بیگانگی و طبقاتی شدن جامعه ما بعد صنعتی پرداخته به نظر مارکس نظام تولید سرمایه‌داری جامعه را به دو طبقه متضاد نسیم می‌کند که یکی از دیگری بهره می‌کشد. دسته اول دسته دوم را استثمار نموده و بدین شکل شیوه‌ای از روابط که به قدرتمند شدن گروهی به بهای محروم شدن گروه دیگری می‌باشد به وجود می‌آید. از آنجا که دو تفکر مارکس اقتصاد زیر بنای جامعه سرمایه‌داری است و دیگر اشکال نظام اجتماعی روبنای آن محسوب می‌گردد پس از نظر وی محرومیت وابسته به شیوه تولید و به تبع آن فقر اقتصادی می‌باشد. با توجه به نظر مارکس می‌توان محرومیت را در بعد اقتصادی آن در نظر گرفت و آن را مبنایی برای دیگر نابرابری‌ها و فاصله‌های اجتماعی به شمار آورد.

پتريک مسأله محرومیت را با توجه به مفهوم فقر مطرح کرده و آن را در قالب فقدان معیشت حداقلی توصیف کرده است. بنابراین فقر در ابعاد مطرح شده از نظر پتريک را می‌توان در ابعاد مختلف محرومیت مورد توجه قرار داد. فقدان ضروریاتی چون نیازهای اساسی غذایی، آب‌نوشیدنی سالم، سرپناه و سلامت جسمانی.

مارشال در تحلیل خود از حقوق شهروندی با ارجاع به نظام‌های درآمدی، خدمات و تأمین اجتماعی، آموزش، مسکن در تلاش برای نشان دادن تأثیر آن بر کاهش نابرابری‌ها است در این فرایند حق شهروند، انتخاب و تحرک، یعنی حق برابری فرصت‌ها است.

رویکرد رالف دارندورف جامعه‌شناس آلمانی در زمینه شهروندی را می‌توان در رابطه با نابرابری و محرومیت اجتماعی مورد توجه قرار داد. از نظر دارندورف در حیات اجتماعی و واحدهای اجتماعی موقعیت‌ها و نقش‌های وجود دارد که با سلسله ارزش‌ها و هنجارها، حقوق و تکالیف و ضمانت اجرای آن را تعیین می‌کند.

مفهوم دیگری که در برخی نظریه‌ها در ارتباط با محرومیت در نظر گرفته شده، شهروندی است.

همچنین مطروودیت اجتماعی که نوعی مفهوم رانده‌شدن از اجتماع را می‌رساند و معمولاً در برابر مشارکت قرار می‌گیرد و طی آن گروهی و افراد معین به طور منظور از دسترس به موقعیت‌های که آن‌ها را به داشتن زندگی مستقل در میان استانداردهای اجتماعی شکل گرفته شده توسط نهادها و ارزش‌ها یک بافت معین قادر می‌سازد بازداشت شده‌اند که در این جا به روشنی عدم دسترسی شهروندان به امکانات معرف روشنی است که ایجادکننده محرومیت اجتماعی می‌باشد. این موضوع خود را می‌تواند در

قالب‌های مختلف از جمله دسترسی به امکانات رفاهی، امکانات اقتصادی و در پی آن استقرار در پایگاه اجتماعی خاص از یک سو، آزادی‌های اجتماعی و سیاسی شهروندی از سوی دیگر نشان دهد.

به عبارتی به قول تورنز کسانی که از دسترسی به منابع قدرت و حیثیت محروم هستند و بیرون از گردونه امنیت رفاهی و کار منظم و ثابت قرار می‌گیرند یا بیگانه، آواره و فاقد حقوق شهروندی هستند محرومین اجتماعی را شکل می‌دهند.

آنتونی گیدنز معتقد است که یکی از مؤثرترین راه‌های حذف محرومیت اجتماعی، فعال شدن جامعه مدنی می‌باشد جامعه‌ای که اشتغال و آزادی‌های بیان و عقیده و امنیت در دسترس همگان است. وی گسترش برابری، احیای حوزه عمومی و گسترش رفاه مثبت را متغیرهای اصلی در وجود و عدم وجود محرومیت اجتماعی می‌داند.

آنچه از نظرات نظریه‌پردازان و مکاتب مختلف در این فصل برداشت می‌شود این است که محرومیت اجتماعی در هر شکل و اندازه آن یکی از عوامل مؤثر بر عقب ماندگی جوامع می‌باشد و تلاش دانشمندان مختلف در عرصه‌هایی چون اقتصاد سیاسی، جامعه‌شناسی و... نشان از مهم بودن این پدیده و اثرگذاری آن در جامعه دارد. هر کدام از نظریه‌پردازان و مکاتب نیز به گونه متفاوت و با تأکید بر بعد یا ابعادی از محرومیت اجتماعی به بررسی این پدیده پرداخته‌اند برای مثال عاملیت‌گرایان با تأکید بر نقش افراد، ساختارگرایان با تأکید بر اثر ساختارهای اجتماعی به این پدیده نگرسته‌اند و رویکردهای تلفیقی هم ارتباط متقابل عامل و ساختار را مورد توجه قرار داده‌اند.

در این مطالعه سعی شده از دستاوردها و نتایج نظریات هر سه گروه در حوزه‌های مختلف موضوع استفاده شود و دلیل استفاده از هر سه گروه نیز آن می‌باشد که محقق در بررسی‌های خود در عین استفاده از نکات مختلف هر کدام، در عین حال هیچکدام را به صورت محض قبول نکرده و به رویکردی تلفیقی در بررسی و تحلیل خود پرداخته است.

مایکل نوبل و همکاران در سال ۲۰۰۱ با بررسی و مطالعات مختلف قبلی و روشن کردن فضای مفهومی محرومیت اجتماعی به اندازه‌گیری و وزن‌دهی مولفه‌های محرومیت اجتماعی در شمال کشور ایرلند پرداختند و بعد از روشن کردن شاخص‌های محرومیت و وزن‌دهی به آن روند توسعه محرومیت اجتماعی را در ایرلند شمالی بررسی نمودند.

نوبل با استاندارد کردن و بارگذاری روشمند، مولفه‌های محرومیت را به این اجزا تقسیم‌بندی نمود:

- ۱- محرومیت درآمدی^۴ که در تحقیق فوق ۲۵٪ وزن متغییر وابسته یعنی محرومیت اجتماعی را به خود اختصاص داده بود.
- ۲- محرومیت از شغل^۵ که مانند محرومیت از درآمد ۲۵٪ وزن متغییر وابسته را به خود اختصاص داده بود.
- ۳- محرومیت از سلامت و معلولیت^۶ که ۱۵٪ وزن متغییر وابسته را گرفته بود.
- ۴- محرومیت از آموزش و مهارت‌های زندگی^۷ نیز ۱۵٪ از متغییر وابسته را تعیین می‌کرد.
- ۵- دسترسی جغرافیایی به سرویس‌های اجتماعی^۸ ۱۰٪ از متغییر وابسته را تعیین می‌کرد.
- ۶- محیط اجتماعی^۹

۱. Incom deprivation.

۲. Employment deprivation.

۳. Health deprivation and disability.

۴. Education, skills and training deprivation.

۵. Geographical access to services.

۶. Social environment

۷- استرس خانگی^{۱۰} نیز هر یک با ۰.۵٪ متغیر وابسته را تعیین می‌کنند.

در تحقیق دیگر که توسط رابرت پامپلون^{۱۱} در سال ۲۰۰۳ انجام شد رابطه سلامت و محرومیت اجتماعی با تکیه بر نظرات پیتر تانسند انجام گردید هدف این تحقیق عبارت بود از کشف وجود رابطه احتمالی بین سلامت عمومی در شهر کبک کانادا با محرومیت اجتماعی. طبق تحقیق پامپلون ارتباط بسیار قوی بین محرومیت اجتماعی و نرخ مرگ و میر، استفاده از تنباکو و ابتلا به سرطان وجود دارد.

در بررسی تحقیقات انجام شده در ارتباط با موضوع می‌توان به چند مورد اشاره کرد. در تحقیقی که به عنوان رابطه محرومیت اجتماعی و شهروندی انجام گرفته نتایج زیر حاصل شده است.

در مقاله‌ای با عنوان محرومیت و شهروندی، توسط شیانی در سال ۱۳۸۴، ابتدا با تفکیک حوزه‌های محرومیت سیاسی، محرومیت اجتماعی و محرومیت اقتصادی و سپس به ارتباط این پدیده‌ها با مقوله شهروندی پرداخته شده است. مطالعات انجام شده در دو الگوی متفاوت از فقر و محرومیت، به خوبی تأثیر آن را در شهروندی نشان می‌دهد به طوریکه بیشتر به منابع و امکانات آموزشی، اقتصادی، اجتماعی و بهداشتی، فضایی مناسب قابلیت‌زا برای رشد آگاهی و عمل به حقوق و وظایف شهروندی را فراهم کرده است.

در مطالعه دیگر با عنوان بررسی مؤلفه‌های محرومیت اجتماعی توسط غفاری در سال ۱۳۸۲ نتایج زیر از یک تحلیل عاملی بدست آمد که در این تحقیق چهار عنصر اساسی حول مفهوم محرومیت اجتماعی عنوان گردیده است این عناصر عبارتند از:

۱: رضایت از زندگی

۲: شهروندی

۳: بیگانگی اجتماعی

۴: تماس و تعامل اجتماعی.

عامل اول با توجه به متغیرهای رضایت از امکانات زندگی، رضایت از زندگی، رضایت شغلی، رضایت از درآمد، رضایت از زندگی خانوادگی و رضایت از مسکن تبیین می‌شود. عامل دوم با توجه به متغیرهای یکسان بودن در برابر قانون، دسترسی به فرصت‌های اجتماعی، شایستگی مسئولین و برخورداری از امکانات برابر و برابری حقوق تبیین می‌شود. متغیرهای انزوای اجتماعی، اعتماد به دیگران، آینده نامعلوم و بدتر شدن وضع طبقات محروم بیشترین اثرگذاری را در قالب عامل سوم نشان می‌دهند و در نهایت متغیرهای رضایت از تعامل با اقوام و دوستان در ارتباط با عامل چهارم مطرح می‌شود (غفاری، ۱۵: ۱۳۸۲).

۲. روش

در مطالعه فوق برای بررسی محرومیت اجتماعی و بعد از بررسی ابتدایی و تحلیلی عاملی، داده‌ها روی ۱۳ عامل بارگذاری گردید که بعد از مشورت با اساتید این تعداد ۷ متغیر اصلی کاهش پیدا کرد. این متغیرها عبارت بودند از وضعیت اقتصادی، پایگاه اجتماعی، فاصله اجتماعی، مشکل اجتماعی، برخورداری از حقوق شهروندی، رفاه اجتماعی و... که برای سنجش هر کدام در ابزار اندازه‌گیری خود که عبارت بود از پرسشنامه محقق ساخته، سؤالاتی طراحی شد این سؤالات به صورت طیف لیکرت برای تمامی

۷. Housing stress.

۸. Robert pampalon.

متغیرها به غیر از متغیر مشکل اجتماعی طراحی شد و برای هر کدام از طیف‌های مذکور امتیازی در نظر گرفته شد. متغیر وابسته ما یعنی محرومیت اجتماعی از حاصل جمع امتیازات بدست آمده از متغیرهای وضعیت اقتصادی، رفاه اجتماعی، فاصله اجتماعی، پایگاه اجتماعی، مشکل اجتماعی وضعیت شهروندی و تأمین اجتماعی حاصل گردیده است.

ضریب پایایی متغیرهای تحقیق

متغیر	آزمون آلفای کرونباخ	تعداد گویه
وضعیت اقتصادی	۰,۷۳	۱۶
وضعیت رفاه اجتماعی	۰,۶۹	۱۱
وضعیت تأمین اجتماعی	۰,۸۴	۳
وضعیت فاصله اجتماعی	۰,۰۷	۴
وضعیت پایگاه اجتماعی	۰,۷۱	۵
وضعیت حقوق شهروندی	۰,۷۸	۵
وضعیت مشکل اجتماعی	۰,۷۵	۵

بطوری که مشاهده می شود تمامی متغیرهای تحقیق دارای ضریب آلفای بالای ۷۰ درصد بوده و با توجه به منصور فر (۱۳۷۶) ضریب قابل قبولی است.

۳. یافته ها

۳-۱- یافته های توصیفی

۳-۱-۱- وضعیت اقتصادی

این شاخص در برگیرنده ۱۶ متغیر است و شامل انواع دارایی‌ها، شغل و هزینه‌ها است.

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت اقتصادی

فراوانی	درصد	درصد تجمعی
پایین	۱۰۵	۳۵
متوسط	۱۱۴	۷۳
بالا	۸۱	۱۰۰
جمع	۳۰۰	۱۰۰

مد: ۲

در مجموع ۳۵ درصد از پاسخگویان دارای وضعیت اقتصادی پایین، ۳۸ درصد متوسط و ۲۷ درصد دارای وضعیت اقتصادی بالا بودند.

۲-۱-۳- وضعیت رفاه اجتماعی

این شاخص در برگیرنده ۱۲ متغیر است و شامل نوع گذران اوقات فراغت و استفاده از انواع رسانه‌ها یا وسایل ارتباطی است.

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت رفاه اجتماعی

درصد تجمعی	درصد	فراوانی	
۳۸	۳۸	۱۱۴	پایین
۷۱,۳	۳۳,۳	۱۰۰	متوسط
۱۰۰	۲۸,۷	۸۶	بالا
	۱۰۰	۳۰۰	جمع

مد: ۱

در مجموع ۳۸ درصد از پاسخگویان دارای وضعیت رفاه اجتماعی پایین، ۳۳,۳ درصد متوسط و ۲۸,۷ درصد دارای وضعیت رفاه اجتماعی بالا بودند.

۳-۱-۳- وضعیت تامین اجتماعی

این شاخص در برگیرنده ۳ متغیر است و شامل انواع بیمه‌ها و نگرش‌های آن‌ها در این مورد است.

جدول شماره ۳: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت تامین اجتماعی

درصد تجمعی	درصد	فراوانی	
۲۱	۲۱	۶۳	پایین
۶۹,۷	۴۸,۷	۱۴۶	متوسط
۱۰۰	۳۰,۳	۹۱	بالا
	۱۰۰	۳۰۰	جمع

مد: ۱

بطوریکه در جدول فوق مشاهده می‌شود ۲۱ درصد از پاسخگویان دارای وضعیت تامین اجتماعی پایین، ۴۸,۷ درصد متوسط و ۳۰,۳ درصد دارای وضعیت تامین اجتماعی بالا بودند.

۳-۱-۴- مشکل اجتماعی

این شاخص در برگیرنده ۵ متغیر است و شامل انواع درگیری‌ها، مصرف مواد مخدر و سابقه جرم و دستگیری است.

جدول شماره ۴: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب مشکل اجتماعی

درصد تجمعی	درصد	فراوانی	
۴۴,۳	۴۴,۳	۱۳۳	ندارند
۱۰۰	۵۵,۷	۱۶۷	دارد
	۱۰۰	۳۰۰	جمع

مد: ۱

در مجموع ۴۴,۳ درصد از پاسخگویان دارای مشکل اجتماعی نبوده و ۵۵,۷ درصد دارای مشکل اجتماعی بودند.

۳-۱-۵- فاصله اجتماعی

این شاخص در برگیرنده ۴ متغیر است در ذیل به توصیف آنها می‌پردازیم.

جدول شماره ۵: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب فاصله اجتماعی

درصد تجمعی	درصد	فراوانی	
۲۸,۳	۲۸,۳	۸۵	پایین
۸۰	۵۱,۷	۱۵۵	متوسط
۱۰۰	۲۰	۶۰	بالا
	۱۰۰	۳۰۰	جمع

مد: ۲

در مجموع ۲۸,۳ درصد از پاسخگویان دارای فاصله اجتماعی پایین، ۵۱,۷ درصد متوسط و ۲۰ درصد دارای فاصله اجتماعی بالا بودند.

۳-۱-۶- پایگاه اجتماعی

این شاخص نیز در برگیرنده ۳ متغیر شغل، درآمد و تحصیلات است.

جدول شماره ۶: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب پایگاه اجتماعی

درصد تجمعی	درصد	فراوانی	
۲۸,۳	۲۸,۳	۸۵	پایین
۷۳,۳	۴۵	۱۳۵	متوسط
۱۰۰	۲۶,۷	۸۰	بالا
	۱۰۰	۳۰۰	جمع

مد: ۲

در مجموع ۲۸,۳ درصد از پاسخگویان دارای پایگاه اجتماعی پایین، ۴۵ درصد متوسط و ۲۶,۷ درصد دارای پایگاه اجتماعی بالا بودند.

۷-۱-۳- برخورداری از حقوق شهروندی

این شاخص در برگیرنده ۵ متغیر است.

جدول شماره ۷: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب برخورداری از حقوق شهروندی

درصد تجمعی	درصد	فراوانی	
۳۷,۷	۳۷,۷	۱۱۳	پایین
۸۴,۳	۴۶,۷	۱۴۰	متوسط
۱۰۰	۱۵,۷	۴۷	بالا
	۱۰۰	۳۰۰	جمع

مد: ۲

در مجموع ۳۷,۷ درصد از پاسخگویان دارای حقوق شهروندی پایین، ۴۶,۷ درصد متوسط و ۱۵,۷ درصد دارای حقوق شهروندی بالا بودند

۸-۱-۳- محرومیت اجتماعی

این شاخص در برگیرنده ۶ شاخصی است که در بالا توضیح داده شد.

جدول شماره ۸: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب محرومیت اجتماعی

درصد تجمعی	درصد	فراوانی	
۳۵,۳	۳۵,۳	۱۰۶	پایین
۷۰	۳۴,۷	۱۰۴	متوسط
۱۰۰	۳۰	۹۰	بالا
	۱۰۰	۳۰۰	جمع

مد: ۱

در مجموع ۳۵,۳ درصد از پاسخگویان دارای محرومیت اجتماعی پایین، ۳۴,۷ درصد متوسط و ۳۰ درصد دارای محرومیت اجتماعی بالا بودند.

۲-۳- یافته های استنباطی

با توجه به اینکه در این مطالعه فرضیه‌ها به صورت رابطه‌ای هستند، همچنین بدست آوردن شدت رابطه از آزمون‌های کای اسکویر و فی و V کرامر همچنین از آزمون گاما و گندال نیز حسب مورد استفاده شده است. فرضیه شماره یک: به نظر می‌رسد بین جنسیت پاسخگویان و میزان محرومیت اجتماعی آنان رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۹: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب جنسیت و میزان محرومیت اجتماعی

جمع	جنسیت		
	زن	مرد	
۱۰۶	۴۳	۶۳	پایین
۳۵,۳	۲۵,۹	۴۷,۰	
۱۰۴	۶۲	۴۲	متوسط
۳۴,۷	۳۷,۳	۳۱,۳	
۹۰	۶۱	۲۹	بالا
۳۰,۰	۳۶,۷	۲۱,۶	
۳۰۰	۱۶۶	۱۳۴	جمع
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	

بطوریکه مشاهده می‌شود قریب به نیمی از پاسخگویان مرد میزان محرومیت اجتماعی در حد پایین داشته در حالی که حدود ۴۰ درصد پاسخگویان زن میزان محرومیت اجتماعی در حد پایین داشتند.

آزمون کای اسکویر با مقدار ۱۴,۹ نشان دهنده آن است که میان جنسیت و محرومیت اجتماعی رابطه معناداری با ۹۹ درصد اطمینان وجود دارد و فرضیه ما در اینجا مورد پذیرش قرار می‌گیرد. همچنین نتایج آزمون فی و V کرامر (با مقدار آماره ۰,۲۲۹)، ضعیف بودن این رابطه را نشان می‌دهد.

فرضیه شماره دو: به نظر می‌رسد بین سن افراد و میزان محرومیت اجتماعی آنان رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۱۰: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سن و میزان محرومیت اجتماعی

جمع	سن			
	سال ۲۹-۲۵	سال ۲۴-۲۱	کمتر از ۲۰ سال	
۱۰۶	۴۰	۲۹	۳۷	پایین
۳۵,۳	۴۴,۰	۲۸,۲	۳۴,۹	
۱۰۴	۲۸	۴۲	۳۴	متوسط
۳۴,۷	۳۰,۸	۴۰,۸	۳۲,۱	
۹۰	۲۳	۳۲	۳۵	بالا
۳۰,۰	۲۵,۳	۳۱,۱	۳۳,۰	
۳۰۰	۹۱	۱۰۳	۱۰۶	جمع
۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	

بطوریکه در جدول فوق مشاهده می‌شود هر چه سن پاسخگویان بالاتر باشد میزان محرومیت اجتماعی‌شان در حد پایین‌تری است و برعکس هر چه سن کمتر میزان محرومیت اجتماعی در حد بالاتر است. آزمون گاما و کندال با مقدار ۰,۱۱ نشان دهنده آن است که میان سن و محرومیت اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد و فرضیه ما در اینجا مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد.

فرضیه شماره سه: به نظر می‌رسد بین منطقه محل سکونت افراد و میزان محرومیت اجتماعی آنان رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۱۱: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب منطقه محل سکونت و میزان محرومیت اجتماعی

جمع	منطقه		
	جنوب	شمال	
۱۰۶	۲۶	۸۰	پایین
۳۵,۳	۱۷,۸	۵۱,۹	
۱۰۴	۴۸	۵۶	متوسط
۳۴,۷	۳۲,۹	۳۶,۴	
۹۰	۷۲	۱۸	بالا
۳۰,۰	۴۹,۳	۱۱,۷	
۳۰۰	۱۴۶	۱۵۴	جمع
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	

بطوریکه در جدول فوق مشاهده می‌شود بیش از ۵۰ درصد پاسخگویان منطقه شمال شهر میزان محرومیت اجتماعی در حد پایین داشته و همین تعداد از پاسخگویان منطقه جنوب شهر دارای میزان محرومیت اجتماعی در حد بالا بودند. آزمون کای اسکویر با مقدار ۱۹,۹ نشان دهنده آن است که میان منطقه محل سکونت و محرومیت اجتماعی رابطه معناداری با ۹۹ درصد

اطمینان وجود دارد و فرضیه ما در اینجا مورد پذیرش قرار می‌گیرد. همچنین نتایج آزمون فی و ۷ کرامر (با مقدار آماره ۰,۴۴۹)، متوسط بودن این رابطه را نشان می‌دهد.

فرضیه شماره چهار: به نظر می‌رسد بین نیازهای افراد و میزان محرومیت اجتماعی آنان رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۱۲: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب نیازها و میزان محرومیت اجتماعی

جمع	نیازها			
	کوچک	متوسط	بزرگ	
۱۰۵	۲۴	۱۳	۶۸	پایین
۳۵,۲	۳۰,۸	۲۸,۳	۳۹,۱	
۱۰۵	۲۵	۱۷	۶۳	متوسط
۳۴,۶	۲۹,۵	۳۷,۰	۳۶,۲	
۹۰	۳۱	۱۶	۴۳	بالا
۳۰,۲	۳۹,۷	۳۴,۸	۲۴,۷	
۳۰۰	۸۰	۴۶	۱۷۴	جمع
۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	

بطوریکه در جدول فوق مشاهده می‌شود کسانی که دارای نیازهای بزرگ‌تر بودند میزان محرومیت اجتماعی در حد پایین‌تر بوده و پاسخگویانی که دارای نیازهای کوچک‌تر بودند وضعیت رفاه اجتماعی در حد بالاتر بودند. آزمون کای اسکویئر با مقدار ۵,۱ نشان دهنده آن است که میان نیازهای افراد و محرومیت اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد و فرضیه ما در اینجا مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد.

فرضیه شماره پنج: به نظر می‌رسد بین آرزوهای افراد و میزان محرومیت اجتماعی آنان رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۱۳: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب آرزوها و میزان محرومیت اجتماعی

جمع	آرزوها		
	برای خود	برای عموم	
۱۰۶	۷۲	۳۴	پایین
۳۵,۳	۳۸,۷	۲۹,۸	
۱۰۴	۶۳	۴۱	متوسط
۳۴,۷	۳۳,۹	۳۶,۰	
۹۰	۵۱	۳۹	بالا
۳۰,۰	۲۷,۴	۳۴,۲	
۳۰۰	۱۸۶	۱۱۴	جمع
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	

بطوریکه در جدول فوق مشاهده می‌شود کسانی که دارای آرزو برای عموم بودند دارای میزان محرومیت اجتماعی در حد بالا بوده و پاسخگویی که دارای آرزو برای خود بودند دارای میزان محرومیت اجتماعی در حد پایین بودند. آزمون کای اسکویر با مقدار ۳,۱ نشان دهنده آن است که میان آرزوهای افراد و محرومیت اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد و فرضیه ما در اینجا مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد.

فرضیه شماره شش: به نظر می‌رسد بین میزان تحصیلات و میزان محرومیت اجتماعی آنان رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۱۴: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان تحصیلات و میزان محرومیت اجتماعی

جمع	تحصیلات			
	فوق لیسانس و دکتری	فوق دیپلم و لیسانس	زیر دیپلم	
۱۰۶	۱۱	۳۰	۶۵	پایین
۳۵,۳	۵۲,۴	۴۲,۳	۳۱,۳	
۱۰۴	۳	۲۴	۷۷	متوسط
۳۴,۷	۱۴,۳	۳۳,۸	۳۷,۰	
۹۰	۷	۱۷	۶۶	بالا
۳۰,۰	۳۳,۳	۲۳,۹	۳۱,۷	
۳۰۰	۲۱	۷۱	۲۰۸	جمع
۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	

بطوریکه در جدول فوق مشاهده می‌شود کسانی که دارای تحصیلات بالاتر بودند میزان محرومیت اجتماعی‌شان در حد پایین است و برعکس. آزمون گاما و کندال با مقدار ۰,۱۸ نشان دهنده آن است که میان میزان تحصیلات و محرومیت اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد و فرضیه ما در اینجا مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد.

فرضیه شماره هفت: به نظر می‌رسد تفاوت معناداری میان جنسیت پاسخگویان بر حسب محرومیت اجتماعی آنان رابطه وجود دارد.

جدول شماره (۱۵): مقایسه دو گروه زنان و مردان از نظر محرومیت اجتماعی بر اساس آزمون U مان ویتنی

جنسیت	تعداد	میانگین	مقدار آماره	ضریب آزادی	سطح معنی داری
زن	۱۶۶	۱۶۰,۹	۳,۹۵	۲۹۸	۰,۰۰۰
مرد	۱۳۴	۱۳۰,۱			

بطوریکه مشاهده می‌شود تفاوت معناداری میان دو گروه زنان و مردان از نظر محرومیت اجتماعی با ۹۹ درصد اطمینان وجود دارد. میانگین دو گروه نیز نشان می‌دهد که زنان دارای محرومیت اجتماعی کمتری هستند. فرضیه شماره هشت: به نظر می‌رسد تفاوت معناداری میان منطقه محل سکونت پاسخگویان بر حسب محرومیت اجتماعی آنان رابطه وجود دارد.

جدول شماره (۱۶): مقایسه دو گروه پاسخگویان در مناطق مختلف از نظر محرومیت اجتماعی بر اساس آزمون U مان ویتنی

منطقه محل سکونت	تعداد	میانگین	مقدار آماره	ضریب آزادی	سطح معنی داری
شمال	۱۵۴	۱۱۵,۲	۸,۵۷	۲۹۸	۰,۰۰۰
جنوب	۱۶۴	۱۸۷,۶			

بطوریکه مشاهده می‌شود تفاوت معناداری میان دو گروه پاسخگویان از نظر محرومیت اجتماعی با ۹۹ درصد اطمینان وجود دارد. میانگین دو گروه نیز نشان می‌دهد که پاسخگویان منطقه جنوب شهر دارای محرومیت اجتماعی بیشتری هستند.

۴. بحث

مهم‌ترین نتیجه‌ای که می‌توان از این تحقیق بدست آورد اینکه محرومیت اجتماعی متغیری پیچیده و چند وجهی است که از طریق متغیرها و مولفه‌های مختلف سنجیده می‌شود. همچنین متغیرهای زیادی روی این پدیده تاثیر گذار هستند اما مهم‌ترین متغیرها متغیر منطقه محل سکونت است. بطوریکه این متغیر به تنهایی حدود ۰,۴۵ از تغییرات متغیر وابسته (محرومیت اجتماعی) را تبیین کرده است؛ لذا تنها پیشنهادی که می‌توان داشت اینکه دولت با سیاست‌هایی که دارد کمتر میان این دو منطقه تفاوت قایل شود و امکانات و وسایل رفاهی بیشتری در خدمت مناطق جنوبی قرار دهد. بطوریکه حداقل در بخش آموزش اگر امکانات فراهم باشد، تعداد بیشتری از این منطقه به دانشگاه راه یافته و به تناسب آن شغل‌های بهتر و وضعیت زندگی و رفاهی بالاتری نیز خواهند داشت.

منابع

- پیران، پرویز (۱۳۷۵). نگاهی به مفهوم فقر و فقرزدایی اطلاعات سیاسی - اقتصادی. شماره ۱۱ و ۱۲.
- پتريک، فیتز (۱۳۸۱). نظریه رفاه، سیاست اجتماعی چیست؟ (هرمز همایون پور، مترجم). تهران: نشر تامین اجتماعی.
- راوالیون، مارتین (۱۳۷۶). درباره تقسیم کار اجتماعی (باقر پرهام، مترجم).
- رئیس دانا، فریبرز. (۱۳۸۷). اندازه گیری فقر. مجله رفاه اجتماعی. شماره ۴۵
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). راه سوم. ترجمه منوچهر صبوری کاشانی. تهران انتشارات شیرازه ۱۸
- بی، اریل. (۱۳۸۱). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی. (چاپ اول). (جواد فاضل، مترجم). تهران: سمت.
- پرو، آلن. (۱۳۷۵). فرهنگ علوم اجتماعی. (چاپ سوم). (باقر ساروخانی، مترجم). تهران: انتشارات کیهان.
- دواس، دی. ای. (۱۳۷۶). روش پیمایشی در تحقیق اجتماعی. (مریم رفعت جاه و رخساره کاظم). تهران: نشر مرکز ملی مطالعات و سنجش افکار عمومی.